



پول قاپ‌ها

بررسی عملکرد مربیان خارجی لیگ برتر فوتبال ایران در فصل اخیر

صفحه ۴

باز خوانی نقش عمان در مذاکرات ایران و آمریکا
و دلایل ترجیح این کشور بر میانجیان فعال منطقه توسط تهران

میانجی‌گری در سایه اعتماد

تیتیر های امر وز



توافقتنامه راهبردی ایران و روسیه با تصویب در دوما به مرحله اجرا نزدیک شد

شراکت هوشمندانه

گزارش «وطن امروز» درباره واهی بودن تهدید ترامپ مبنی بر حمله نظامی به ایران

ترسیدن با صدای بلند!

گزارش «وطن امروز» درباره مهاجرت داوطلبان پزشکی و بی توجهی به افزایش ظرفیت پذیرش رشته‌های پزشکی

نگرانی از آینده درمان!

ضمیمه نظر زا راه

قدرت شما در خندیدن به طرف مقابل

باتلاق تحریم‌ها پای اروپا در گل فرو رفت

نگاه سمیه خلیلی

قاره سبز همچنان در جنگال یک بحران اقتصادی چندوجهی دست و پا می‌زند. گذشت بیش از ۳ سال از آغاز جنگ اوکراین و اعمال تحریم‌های بی‌سابقه غرب علیه روسیه، نه تنها بهبودی در وضعیت اقتصادی اروپا حاصل نکرده، بلکه نشانه‌های فزاینده‌ای از تعمیق و گسترش این بحران به چشم می‌خورد. تورم همچنان بالاست، قیمت انرژی ثبات ندارد و خطر رکود اقتصادی به واقعیت نزدیک‌تر شده است. سوالی که ذهن بسیاری از تحلیلگران و شهروندان اروپایی را به خود مشغول کرده، این است: آیا سیاست‌های تحریمی غرب که با هدف تضعیف ماشین جنگی روسیه و وادار کردن آن به عقب‌نشینی از اوکراین طراحی شده بود، اکنون به پاشنه آشیل اقتصاد اروپا تبدیل شده و بیش از آنکه به مسکو آسیب برساند، گریبان کشورهای تحریم‌کننده را می‌فشارد؟

■ تصویر نگران‌کننده اقتصاد اروپا

بررسی شاخص‌های اقتصادی در کشورهای عضو اتحادیه اروپایی در آوریل ۲۰۲۵ تصویر چندان امیدوارکننده‌ای را ترسیم نمی‌کند. نرخ تورم اگرچه در برخی کشورها اندکی کاهش یافته اما همچنان در سطوح بالایی قرار دارد و فشار قابل توجهی بر قدرت خرید مردم وارد می‌کند. بهای انرژی، بویژه گاز طبیعی، پس از نوسانات شدید در طول زمستان گذشته، همچنان در سطوح بالایی باقی مانده و نگرانی‌ها از کسود عرضه در زمستان پیش رو را افزایش داده است. تازه‌ترین گزارش‌های منتشر شده از سوی نهادهای اقتصادی معتبر بین‌المللی، از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، نشان می‌دهد چشم‌انداز رشد اقتصادی برای منطقه یورو در سال جاری میلادی با ابهامات جدی روبه‌رو است. بیشترین حالت، رشدی بسیار کند را تجربه خواهد کرد و احتمال وقوع رکود در برخی اقتصادهای بزرگ این منطقه، نظیر آلمان و ایتالیا همچنان بالاست. این در حالی است که صنایع اروپا به دلیل هزینه‌های بالای انرژی و مواد اولیه، با کاهش تقاضا و افت تولید مواجهند و این امر، نگرانی‌ها از افزایش نرخ بیکاری را تشدید کرده است.

■ تداوم جنگ اوکراین و اثرات پایدار تحریم‌ها
با گذشت بیش از ۳ سال از آغاز جنگ اوکراین، هیچ نشانه روشنی از پایان قریب‌الوقوع این درگیری دیده نمی‌شود؛ جنگی فرسایشی که به گفته «لورنس فریدمن» استاد سابق مطالعات جنگ در دانشگاه کینگز لندن که در گزارش اخیر فارن‌افز نیز به آن اشاره شده، همچنان ادامه دارد و تبعات اقتصادی آن بر اروپا به صورت فزاینده‌ای نمایان می‌شود.

ادامه در صفحه ۶



«وطن امروز» درباره بی‌ثباتی کابینه ترامپ در قبال مذاکرات هسته‌ای با ایران گزارش می‌دهد

آشفته‌گی

مذاکرات خیلی بدبین نبود، توانایی‌های ایران است. اما این توانایی‌ها کدامند؟ به طور کلی می‌توان به این موارد اشاره کرد: دانش هسته‌ای بومی‌شده ایران و وضعیت برنامه هسته‌ای چه‌از حیث سطح غنی‌سازی و ذخایر مواد غنی‌شده و چه از حیث سرعت غنی‌سازی، قدرت دفاعی ایران و بازدارندگی ایجادشده در مقابل تهدیدات دشمن، اثبات عدم اثرگذاری اهرم تحریم بر برنامه هسته‌ای ایران، واقعیات مربوط به تحولات منطقه بویژه ملموس‌تر شدن قدرت جبهه مقاومت، اثربخشی راهبرد دیپلماسی متوازن از سوی ایران که بر اساس فهم دقیق ایران از تحولات جهانی و تغییرات بنیادین در ساختار هژمونیک قدرت در جهان دنبال شده و...

البته در کنار این توانمندی‌ها، ایران با سیاستی که نسبت به مذاکرات با دولت آمریکا اتخاذ کرده، نشان داده است درک دقیق و نسبتاً جامعی نسبت به مضامین سیاسی، امنیتی و اقتصادی دولت جدید آمریکا و اولویت‌بخشی این اضطراب‌ها دارد. به عنوان نمونه سیاست دولت ترامپ در قبال جنگ اوکراین، نشان داده است کاخ سفید در حال رفع و رجوع سریع مسائلی است که به اعتقاد ترامپ، مساله اصلی آمریکا نیستند. اکنون ژورنال‌ها و تحلیلگران ارشد مسائل بین‌الملل معتقدند دولت آمریکا در حال تلاش برای فروپاشیدن نظم و نظام اقتصادی فعلی دنیا و ایجاد سازه یا سازه‌های جدید تجارت بین‌الملل، آن هم با اولویت مهار چین است. در این راستا آمریکایی‌ها در اروپا، آمریکای لاتین و غرب آسیا نیز دنبال تغییرات بنیادین هستند. بر همین اساس، ایران به یک درک دقیق و واقع‌بینانه از این اضطراب‌ها رسیده است. از سوی دیگر یک واقعیت مهم و تأثیرگذار دیگر نیز درباره تخمین و برآورد رفتار دولت جدید آمریکا وجود دارد و آن، نوع محاسبات آنها از هزینه‌های جنگ و بر خورد نظامی در هر سطحی است. تشریح این مسائل از حوصله این مقال خارج است، غرض، اشاره هم به قدرت سخت و نرم ایران و هم توان تحلیل و ارزیابی ایران از وضعیت طرف مقابل و تحولات جهانی است. در واقع همین قدرت و توان است که باعث می‌شود ایران از رفتار دولت آمریکا و سیاست‌های علنی و غیرعلنی کاخ سفید نسبت به ایران و نامه‌نگاری‌های ترامپ، به تصمیم مذاکره غیرمستقیم با آنها برسد و با وجود بدبین بودن به طرف آمریکایی، مذاکره با این کشور را نیز در دستور کار قرار داد و نسبت به آن نیز خیلی بدبین نبود.

البته این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که فهم این واقعیات مهم نباید منجر به خوش‌بینی بیش از اندازه نسبت به مذاکرات شود.

آمریکا دشمن شماره یک ایران است و هیچ اقدامی از سوی این کشور علیه ایران بعید نیست.

حتی بسیاری معتقدند مذاکرات فعلی یک ترفند برای مقصرنمایی ایران و معتبر کردن استفاده از گزینه نظامی علیه ایران است.

شود اما به هر حال سابقه آمریکا بویژه علیه ایران باعث می‌شود همواره بدبینی به این کشور و مذاکرات با این کشور معتبرتر از خوش‌بینی نسبت به این کشور و مذاکرات با این کشور باشد.

به بهانه فشارهای داخلی و با طرح توقف کل برنامه غنی‌سازی، امتیازات بیشتری از ایران طلب کند، چرا که وضعیت برنامه هسته‌ای ایران به طور کلی متفاوت از سال ۲۰۱۵ و مذاکرات منتهی به برجام است. همین واقعیت می‌تواند ترفند احتمالی ترامپ، یعنی سوءاستفاده از فشارهای داخلی برای گرفتن امتیازات بیشتر از ایران را خنثی کند.

۴- تغییر موضع ویتکاف و طرح بحث توقف غنی‌سازی در ایران را می‌توان از یک زاویه دیگر نیز مورد ارزیابی قرار داد. این تغییر رفتار، آن هم در موضوع مهم حساس غنی‌سازی ایران، یک اشتباه راهبردی مذاکراتی توسط ترامپ بود.

پست ویتکاف که گفته می‌شود پس از جلسه ترامپ با اعضای ارشد کابینه منتشر شد، نشان می‌دهد ترامپ، دولت و نماینده مذاکره‌کننده او در موضوع مذاکرات کاملاً غیرحرفه‌ای و مبتدی عمل می‌کنند. البته این موضوع صرفاً به این معنا نیست که آنها مذاکره‌کنندگان ضعیفی هستند بلکه مهم‌تر از آن، نشان می‌دهد ایران اکنون با یک دولت بی‌ثبات و نامتعادل طرف است، البته پیش از این، رفتارشناسی ترامپ و بی‌ثباتی او باعث شده بود در ایران نوعی بی‌اعتمادی نسبت به هر نوع مذاکره با توافق احتمالی با وی ایجاد شود. این بی‌اعتمادی اکنون با اقدام استیو ویتکاف قطعاً تشدید شده است. یک نکته قابل مامل و البته درس‌آموز در این باره، سخنان رهبر انقلاب در دیدار روز سه‌شنبه این‌بار، مسئولان ارشد ۳ قوه با ایشسان است. رهبر انقلاب به بخشی از سخنان‌شان، با بیان اینکه نسبت به مذاکرات عمان، نباید به صورت افراطی خوش‌بین یا بدبین بود، تصریح کردند «البته به طرف مقابل خیلی بدبین هستیم».

نکته درس‌آموز این است که این بخش از فرمایشات رهبر انقلاب درباره بدبینی به طرف آمریکایی، قبل از انتشار پست استیو ویتکاف بیان شد و به وضوح شناخت دقیق و واقع‌بینانه رهبر انقلاب از ماهیت و شخصیت دولت فعلی آمریکا را نشان می‌دهد.

البته مهم‌تر از شناخت رهبر انقلاب نسبت به ماهیت و رفتار دولت آمریکا، ادراکی است که ایشان درباره نوع نگرش به مذاکرات و تفکیک آن از شناختی که به واسطه تجربه نسبت به دولت آمریکا ایجاد شده بدبین بودن نسبت به این سوال جواب دادند: آنجایی که تصریح کردند «به توانایی‌های خود خوش‌بین هستیم».

یک بار دیگر متن کامل این بخش از سخنان رهبر انقلاب را مرور کنیم: «مذاکرات ممکن است به نتیجه برسد یا نرسد. ما هم به این گفت‌وگوها نه خیلی خوش‌بین و نه خیلی بدبین هستیم، البته به طرف مقابل خیلی بدبین هستیم اما به توانایی‌های خود خوش‌بین هستیم».

بر این اساس، آن عاملی که باعث می‌شود با وجود خیلی بدبین بودن نسبت به دولت آمریکا، نسبت به

اینجا همانجایی است و اکنون همان زمانی است که ترامپ باید چوب اشتباهاتش را بخورد. بنابراین این مشکل ترامپ است و خودش باید راهی برای حل آن پیدا کند.

۳- یک واقعیت مهم درباره مذاکرات فعلی ایران و آمریکا با توافق احتمالی میان طرفین وجود دارد و آن این است که برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۲۵ با برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵ (سال توافق برجام) کاملاً متفاوت است. هم در سطح غنی‌سازی، هم در سرعت غنی‌سازی و هم در میزان ذخایر اورانیوم غنی‌شده، برنامه هسته‌ای ایران اکنون به مراتب بزرگ‌تر و پیشرفته‌تر از زمان امضای برجام است. در زمان امضای برجام، سطح غنی‌سازی ایران در محدوده ۲۰ درصد بود و این در حالی است که ایران اکنون در حال غنی‌سازی اورانیوم در سطح ۶۰ درصد است. در زمان امضای برجام ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۲۰ درصد ایران کمتر از ۲۰۰ کیلوگرم بود اما اکنون ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۲۰ درصد ایران نزدیک ۱۰۰۰ کیلوگرم است. ضمن اینکه طبق آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران ۲۷۵ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد نیز در اختیار دارد. در حوزه سرعت غنی‌سازی نیز وضعیت فعلی ایران بسیار جلوتر از زمان امضای برجام است. در زمان امضای برجام برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران عمدتاً توسط سانتریفیوژهای نسل اول انجام می‌شد اما ایران سال گذشته یک آبشار ۱۶۴ تایی سانتریفیوژهای پیشرفته AIR را در تالسیسات فردو وارد مدار غنی‌سازی کرد.

بنابراین این یک واقعیت آشکار است که ایران اکنون در حوزه فنی، شرایط بسیار بهتری نسبت به زمان امضای برجام دارد و اصطلاحاً در این حوزه، دست برتر با ایران است. این واقعیت مهم، واجد یک پیام مهم‌تر است. ایران در صورت پذیرش تعهداتی شبیه برجام، می‌تواند مطالباتی فراتر از مطالبات برجامی طلب کند. این نکته مهمی است که طرف آمریکایی باید آن را بفهمد. ترامپ نه صرفاً در ماه‌های ابتدایی ریاست‌جمهوری، بلکه از دوران تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، با استناد به وضعیت غنی‌سازی ایران، بارها مدعی شده بود ایران نسبت به قبل، توانایی بیشتری برای حرکت به سمت ساخت سلاح اتمی دارد. او در ماه‌های اخیر تأکید کرده است هدف اصلی او، جلوگیری از برخورداری تهران از سلاح اتمی است. بنابراین در صورت بر نوع توافق احتمالی با ایران، قطعاً او می‌تواند مدعی شود توافق او در مقایسه با توافق سال ۲۰۱۵، دستاورد بیشتری داشته است، چرا که سال ۲۰۱۵، برجام در شرایطی حاصل شد که برنامه غنی‌سازی ایران در سطح ۲۰ درصد و با ذخایر کمتر از ۳۰۰ کیلو بود اما توافق احتمالی با ایران در حالی انجام شد که حجم ذخایر ۲۰ درصد ایران نزدیک به ۱۰۰۰ کیلوگرم و حجم ذخایر ۶۰ درصد ایران تا بهمن ۱۴۰۳، طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۲۷۵ کیلوگرم بوده است.

قطعاً این امتیازی است که توافق احتمالی ترامپ با ایران را از برجام متمایز می‌کند. بر همین اساس تیم مذاکره‌کننده ایرانی باید در قبال این امتیاز، مطالبات متناسبی مطرح کند.

بنابراین ترامپ باید از همین حالا بداند نمی‌تواند

مطالباتی را مطرح می‌کنند که ویتکاف در مصاحبه با فاکس نیوز تشریح کرد؟ و در نهایت آیا ویتکاف با این تغییر موضع و به کار بردن عبارت «توافق ترامپ» به دنبال آن است امتیازات جدیدی از ایران بگیرد که توافق احتمالی را متفاوت از متفاوت برجام نشان داده و مسیر ترامپ برای امضای توافق را هموار کند؟

هنوز برای یافتن جواب درست، زود است. باید منتظر ماند و دید تیم مذاکره‌کننده آمریکایی در دور دوم مذاکرات که مرحله تعیین چارچوب و تدوین مبنای مذاکرات است، چه موضعی بویژه درباره حق غنی‌سازی ایران می‌گیرد.

با این حال اما می‌توان چند نکته مهم را مورد توجه قرار داد:

۱- ترامپ بهتر از هر کسی می‌داند طرح مطالبه توقف کامل غنی‌سازی توسط ایران، به معنای توقف فوری مذاکرات و شکست قطعی آن است؛ دست‌کم به ۲ دلیل:

اول- حق غنی‌سازی و حفظ ساختار برنامه هسته‌ای، خط قرمز ایران است و در توافق ۲۰۱۵ نیز با تأکیدات ویژه رهبر انقلاب، ایران از آن عقب‌نشینی نکرد تا در نهایت در برجام این حق مسلم ایران به رسمیت شناخته شود. بنابراین ایران به هیچ عنوان از این حق مسلم خود عقب‌نشینی نخواهد کرد، بویژه این نکته بسیار مهم است که ایران با توسعه برنامه غنی‌سازی خود پس از خروج آمریکا از برجام، اکنون در موضوع غنی‌سازی دست برتر را دارد. بنابراین تصور اینکه ایران با وجود داشتن دست برتر نسبت به مذاکرات منتهی به برجام، حاضر به عقب‌نشینی از شروط و مطالبات به رسمیت شناخته‌شده خود در برجام شود، یک تصور ابلهانه است.

دوم- طرح این موضوع و اصرار بر آن در مذاکرات آتی، نشان‌دهنده بی‌ثباتی آمریکا در مذاکرات است و این یعنی بی‌اعتمادی مطلق به دولت آمریکا. بنابراین با توجه به عدم ثبات دولت آمریکا و مشخص شدن تأثیرپذیری آنها از مخالفت‌ها در آمریکا، ایران قطعاً این مذاکرات را بی‌فایده دانسته و آن را ادامه نخواهد داد. بنابراین ترامپ اگر آنگونه که در ظاهر ادعا می‌کند، خواهان توافق با ایران است، نباید این موضوع را مطرح کرده یا روی آن فشاری کند.

۲- اینکه ترامپ اکنون با این معضل مواجه است که در آمریکا توافق احتمالی او با ایران را با برجام مقایسه می‌کنند، مشکل خود او است و به ایران هیچ ربطی ندارد. ترامپ با ندانم‌کاری و تحت تأثیر تندروهایی مانند بولتون و پمپئو آمریکا را از برجام خارج و با این اقدام، هزینه‌های بسیاری به ایران وارد کرده هزینه‌هایی که البته معلول ساده‌لوحی تیم مذاکره‌کننده ایرانی، بی‌دقتی آنها در نگارش مفاد برجام و اعتماد کاذب آنها به آمریکایی‌ها نیز بود. در واقع ضعف تیم مذاکره‌کننده ایران در دریافت تضمین‌های محکم برای بقای برجام، زمینه‌ساز این شد که ترامپ صرفاً با یک امضا، آمریکا را از توافق خارج کند؛ خروجی که برای آمریکا کاملاً بی‌هزینه بود اما حالا ظاهراً بقیه ترامپ را گرفته است.

با این حال، همان گونه که گفته شد، مقایسه توافق احتمالی ترامپ با ایران، با توافق موسوم به برجام، مشکل ترامپ است. قطعاً ترامپ نمی‌تواند برای حل این مشکل، از ایران امتیازات ویژه‌ای طلب کند. شاید

امیرعباس نوری: استیو ویتکاف، نماینده ویژه دونالد ترامپ در امور غرب آسیا که مسؤولیت مذاکرات هسته‌ای با اشاره به ادعای رئیس‌جمهور آمریکا درباره جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی، این موضوع را مطرح کرد که از نظر دولت ترامپ، می‌توان به توافقی با ایران رسید که در آن حق غنی‌سازی ۳۶۷ درصد برای ایران به رسمیت شناخته شود اما ایران از غنی‌سازی در سطوح ۲۰ و ۶۰ درصد خودداری کند. بلافاصله پس از این اظهارات ویتکاف، جریان‌های رادیکال و همین‌طور دموکرات‌ها انتقادات زیادی را علیه او مطرح کردند. کلدوازه همه این انتقادات به موضوع توافق ۲۰۱۵ با ایران برمی‌گشت. منتقدان و مخالفان به این نکته اشاره کردند که آنچه ویتکاف گفته است، در واقع به رسمیت شناختن غنی‌سازی با درصد پایین توسط ایران است و این در واقع همان توافق موسوم به برجام است که ترامپ پس از اظهارات را از آن خارج کرد. در واقع منتقدان این استدلال را مطرح کردند که ترامپ در حال انجام توافقی شبیه برجام است که خود پیش‌تر منتقد آن بوده و آمریکا را از آن خارج کرده است. چند ساعت پس از اظهارات ویتکاف و پس از آنکه به مسکو آسیب برساند، گریبان پستی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت ایران نباید حق غنی‌سازی داشته باشد. ویتکاف این بار یک اصطلاح جدید وارد ابلیت مربوط به مذاکرات و توافق احتمالی با ایران کرد و از «توافق ترامپ» صحبت کرد. در واقع این عبارت جدید حاوی این نکته است که توافق احتمالی با ایران، باید متفاوت از توافق سال ۲۰۱۵ با ایران یعنی همان برجام باشد.

برخی منابع رسانه‌ای در آمریکا مدعی شدند این پیام ویتکاف، پس از برگزاری یک جلسه ویژه در کاخ سفید با حضور ترامپ، ویتکاف، ونس، روبیو، هگست و مایک والترز، نوشته و منتشر شده است. این منابع اینگونه ترحیل کرده‌اند که ترامپ پس از مذاکره با اعضای ارشد دولت خود که به ۲ تیم موافقان توافق با به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی ایران و موافقان توافق بدون به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی ایران تقسیم می‌شوند، تصمیم گرفت این بار از زبان ویتکاف بگوید توافق احتمالی با ایران با برجام متفاوت خواهد بود و برای نشان دادن این تفاوت، موضوع به رسمیت نشناختن حق غنی‌سازی اورانیوم در سطح ۳۶۷ درصد برای ایران مطرح شده است.

■ سنگ درون چاه؟

تغییر موضع ویتکاف را باید چگونه فهمید؟ آیا این تغییر موضع نشان می‌دهد دموکرات‌ها و مخالفان توافق با ایران، دست روی نقطه ضعف شخصیتی ترامپ گذاشته و با تحریک او، دنبال این هستند او شروطی را برای توافق مطرح کند که امکان آن را کاهش دهد؟ آیا ترامپ تحت تأثیر مخالفان و برای آنکه متهم به انقدا توافقی شبیه برجام با ایران نشود، شروط جدیدی مطرح می‌کند که امکان توافق را بدون آن هستند با سوءاستفاده از نظر مخالفان، شروط جدیدی را مطرح و امتیازات بیشتری را از ایران طلب کنند؟ آیا آنها صرفاً برای مدیریت افکار عمومی و مهار مخالفان تغییر موضع داده‌اند و پشت میز مذاکره، همان